



انجمن جامعه‌شناسی آموزش و پرورش ایران

خبرنامه

شماره ۵۵، آذر ۱۳۹۱



پرونده ویژه ۱۶ آذر

نگاهی تئوریک به جنبش دانشجویی

سخنرانی خانم پروفسور تیکو ساکورایی با عنوان:

نظام آموزش و پرورش در ژاپن

کتاب‌های جدید، مهارت‌های قدیم

رویکردهای جامعه‌شناسی مدرن در آموزش و پرورش

«کنکور» برای آموزش پرورش خطرناک است

سر مقاله

واردات یا مراودات علم؟
مسئله این است!

احمد احمدی نژاد

اگر بخواهیم نظیر این بدعت‌های نو را که ایرانیان به علم تزریق کردند، بیاوریم می‌توان از تعداد پر شماری سخن گفت به عنوان مثال وقتی که وارد فلسفه فارابی می‌شویم به نوعی بدعت ایرانی در فلسفه ارسطویی می‌رسیم! بدعت فهم آسان. شرح مابعدالطبیعه ارسطو را فقط فارابی می‌توانست بنویسد آن طور که ابن سینا را مدیون خویش کند و با خواندن یک بار آن، پس از ۴۰ بار مطالعه بدون فهم مابعدالطبیعه ارسطو، احساس رضایت و خشنودی نماید.

فارابی هارمونی خارق‌العاده‌ای را مابین آثار ارسطو و افلاطون به وجود آورد که اگر آن بزرگان فلسفه جهان می‌ماندند و این تلاش بی‌وقفه فارابی را در فهم فلسفه یونانی می‌دیدند، بدون شک خودشان لقب معلم ثانی را نثارش می‌کردند.

این گونه است که وقتی به تاریخ علمی خویش نیم‌نگاهی می‌اندازیم آن را سراسر تعامل علمی و البته رد و بدل شدن مفاهیم علمی بین شرق و غرب می‌بینیم که نه در آن تخطئه علم وجود دارد نه نکوهش!

مراودات علمی در دنیایی که هیچ‌گونه امکانات ارتباطی کنونی وجود نداشت، بیش از زمان حال بود! اندیشمندان برای آنکه طرحی نو در علوم در اندازند، یکدیگر و علوم یکدیگر را نمی‌کوبیدند بلکه سعی می‌کردند با بینش و تلاش بی‌وقفه، نقص‌ها را جبران کرده و روزه‌های تازه‌ای را پیش روی علوم و علاقمندان آن قرار دهند.

اما از زمانی که علوم فقط جنبه وارداتی آنهم به کشورهای در حال توسعه پیدا کردند دیگر کنکاش، تلاش و سیر کردن در آن نیز فروکش کرد و فقط علاقمندان آنها در کشورهای کمتر پیشرفته‌ای نظیر کشور ما، به عنوان مصرف‌کننده‌های صرف آن تبدیل شدند!

آنچه که امروز ما را در مقابل علوم غربی قرار داده و نه در تعامل! نگرانی از نفوذ بی‌حد و حصر این علوم در بین مجامع علمی ایرانی و در نتیجه آن غریزدگی است اما باید از کسانی که در اندیشه اسلامی کردن علوم هستند پرسید آیا فارابی و ابن سینا و .. زمانی که هجمه علوم غربی را دیدند به آن پشت کردند و آنها را در قفس قرار دادند یا آنکه تلاش کردند تا عصاره آن را دریاورند و نه قالب جدید بلکه عمقی جدید به آنها ببخشند؟

پیشینه اسلامی و متفکرانه ما در برخورد با علوم غربی هیچگاه تخطئه نبوده بلکه بازکردن ساحت‌های جدیدی از علم از سوی اندیشمندان ایرانی، نوعی از مراودات علمی را گسترش داده به طوریکه امروزه دروس مهم این بزرگان نظیر ابن سینا در دانشکده‌های معتبر دنیا هم تدریس می‌شود.

شاید دیگر قرار نیست در این مرز و بوم فارابی یا ابن سینا ظهور کند اما آنچه که مورد اتفاق همه اندیشمندان می‌باشد این است که باید بسترها به نحوی فراهم شده تا متفکران امروزی ایرانی فرصت مطالعه، نقد، بررسی و کنکاش در علوم را داشته باشند و با این رویه حتی نقص‌های علوم انسانی غربی را جبران کرده و آنها را با تکمله‌های بیشتری در اختیار نه ایرانیان بلکه جهانیان قرار دهند که البته این مهم نه با تقابل بلکه با تعامل و هم‌چنین مراوده عالمانه میسر می‌شود.

مفهوم واردات و مراودات علمی بیش از شکل زیبای ظاهری خویش، در کنه و ذاتش جذابیتی خاص نهفته است که اگر به آن با بینشی عمیق نگریده شود شاید بتواند بخشی از مشکلاتی که هم اکنون گریبان علوم انسانی و سایر علوم وارداتی!! ما را گرفته است، حل کند.

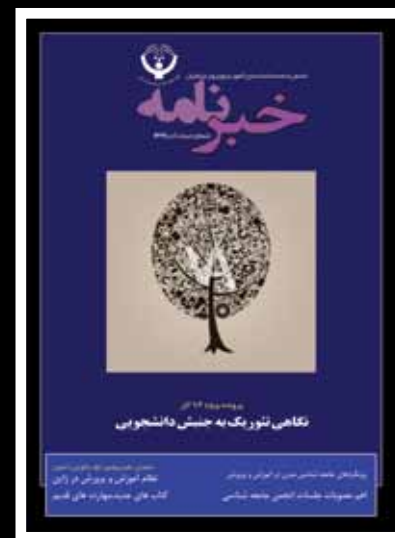
تخطئه بیش از حد و در نتیجه مهجور ماندن این علوم (به ویژه علوم انسانی) در جامعه کنونی ما نه تنها نتوانسته ضعفی از ضعف‌های آن را بکاهد بلکه هر روز بحرانی به نام مهجوریت این علوم را در پیش روی علاقمندان آنها در کشورمان قرار می‌دهد که جز یاس و سرخوردگی برای دانش‌ورزان آنان نتیجه‌ای در بر ندارد!

علوم انسانی و علوم تجربی هم دیرینه و پیشینه در تمدن ما دارند و هم در تمدن غرب! شاید با کمی عدد و رقم تاریخی بتوان تقدم و تاخر این علوم نسبت به یکدیگر را تمیز داد اما آنچه که مشخص است هم در مشرق زمین و هم در غرب علم و کنکاش برای انسانها و به ویژه متفکران بزرگ دوران متامادی تاریخ، شانیت و جایگاه خاصی داشته است.

اساسا باید گفت انسان بدوی هم که با نوع وحشی در جهان معاصر شناخته می‌شود طبقه‌بندی‌های مردم‌نگارانه، دوران حیات انسان را به سه دوره توحش، بربریت و تمدن تقسیم می‌کند) هم به فکر چگونه زیستن بوده است هرچند به شکل ابتدایی‌اش!

در سرزمین آریایی نیز مردمان، همواره قومی دارای هویت و تمدن بوده‌اند و همین پیشینه منجر به آن می‌شد تا اندیشمندان هر دوران هر چند که تحت انقیاد و البته ظلم حاکمان هم بوده‌اند اما اذهان خود را به انقیاد و انزوا در نیاورند و همواره در بسط علم نه در ایران بلکه در جهان هم نقش داشته باشند.

اوج بالندگی و نبوغ ایرانیان به سده‌های سوم و چهارم هجری به بعد بر می‌گردد که متفکرینی همچون ابن سینا، زکریای رازی، ملاصدرا، ابونصر فارابی، خیام و بسیاری از بزرگان دیگر که سهم به‌سزایی در تولید علم چه در حوزه تجربی و چه انسانی داشته‌اند، رشد کردند و جهان کنونی را مدیون بدعت‌های تازه خویش در علم نمودند.



خبرنامه انجمن جامعه‌شناسی
آموزش و پرورش ایران
شماره سه، آذر ۱۳۹۱

صاحب امتیاز:

انجمن جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

مدیرمسئول:

دکتر حسین دهقان

سردبیر:

احمد احمدی نژاد

همکاران این شماره:

جواد محلوچی، لیلی فریدونی، سمانه احمد
سلطان، ریحانه افضلیان، عسل افضلی و لایلا
پیکانی

طراح:

امیر غفاریگی

پایگاه اینترنتی: IASE-NGO.IR

متن سخنرانی دکتر طلحه خادمیان با عنوان؛

رویکردهای جامعه‌شناسی مدرن در آموزش و پرورش (نظریات جدید آموزش و پرورش)

دکتر طلحه خادمیان استاد جامعه‌شناسی و مدیر گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال می‌باشد. متن زیر قسمت نخست سخنرانی ایشان در نشست علمی انجمن جامعه‌شناسی آموزش و پرورش ایران است که پیش رویتان قرار گرفته است.



قسمت نخست

حس ابداع توفیق یکی از نکاتی است که حتما باید مورد توجه معلم در ایجاد ارتباط و کنش با دانش آموز قرار گیرد. یک معلم باید بیندیشد که در چه جایگاهی قرار گرفته و چگونه می‌تواند به «غایت کنش ارتباطی» که «توفیق» است دست یابد. از دهه ۸۰ به بعد، این جریان با نظریه‌های جدید مثلا «الگوهای زبانی» مورد توجه و اهمیت بیشتری قرار گرفت و یکی از نمایندگان این مبحث برنشتاین است که می‌گوید: دانش آموزان متعلق به طبقات اجتماعی گوناگون هستند و الگوهای زبانی متفاوتی دارند یعنی نه اینکه دانش آموزانی که متعلق به سطوح اقتصادی و اجتماعی پایین‌تری هستند الگوهای زبانی پست‌تری دارند یا بالعکس، بلکه منظور واضح‌تری دارد و آن اینکه زبان کودکان، دانش آموزان، دانش‌جویان طبقات اجتماعی پایین بسیار محدود است و در دایره فرهنگی خانواده سطوح پایین، امکان‌مانور در زبان وجود نداشته است.

بورديو با مفهوم سبك زندگي نگاه طبقاتي به نوع زندگي بشر را عوض كرد

مانور در زبان بستگی به کیفیت‌های پیچیده‌ای دارد که به معنی تاکید روی «موقعیت‌های اجتماعی» است. در موقعیت‌های اجتماعی مختلف است که افراد الگوهای زبانی ماهرانه‌ای پیدا می‌کنند و کسی که امکان مانور در زبان پیدا کند در نتیجه «توفیق تحصیلی» و در نهایت «توفیق در رابطه» پیدا می‌کند. ما همواره تضادهای بزرگی از درک معانی با مخاطبانمان داریم. مثلا سوال اینجاست که در همین الگوهای زبانی چه کارهایی باید انجام دهیم؟ بعد از برنشتاین کسانی مثل پیربورديو که به عنوان یک معلم قلبش برای اقشار طبقه پایین می‌تپد، آمدند و فکر کردند چرا این اتفاق می‌افتد؟ وی بعد از کنکاش‌های مختلف دریافت که دیگر طبقه مطرح نیست. او «Life style» به معنی سبک زندگی را مطرح می‌کند، یعنی الگوهایی که طبق آنها زندگی می‌کنیم.

مثلا یک معلم ممکن است که از سطوح پایین اقتصادی باشد، اما می‌تواند مطالعه بیشتری نسبت به کسانی که در سطوح اقتصادی خیلی بالاتری در جامعه هستند داشته باشد و این به معنی توجه به زندگی انسانها بدون نگاه طبقاتی است.

ثروت فرهنگی افراد آنها را از یکدیگر متمایز می‌کند

در سال ۱۹۷۰ بورديو نظریه «باز تولید» خودش را طرح می‌کند که چطور معلم و دانش‌آموزان می‌توانند بازتولید کنند. از سویی این تحقیق به این نتیجه می‌رسد که خانواده از دوران کودکی رمزگشایی از بعضی امور را به فرزند می‌آموزد. وی بحث مفصلی در این رابطه دارد و عنوان می‌کند که مثلا یک معلم نباید تعجب کند وقتی می‌بیند که دانش آموز طبقه پایین چقدر یادگیری آسان‌تری دارد و بچه یک خانواده ثروتمند یادگیری دشوارتری دارد. وی در می‌یابد



«رسمی» نباشد آن را به رسمیت نشناسیم.

جهان باید این را یاد بگیرد که می‌تواند افراد را به نسبت سرمایه فرهنگی آنها بسنجد، سرمایه فرهنگی فقط در آموزش رسمی بدست نمی‌آید بلکه ممکن است خیلی از آدم‌های فاضل پیرامون خود را ببینیم که مدرک تحصیلی ندارند اما به معنی این نیست که حتما سواد هم نداشته باشند. بحث مهمی است که بدانیم در نهایت آموزش و پرورش چه باید بکند؟ آیا باید به این سمت برود تا افراد را آنگونه که دارای سرمایه وجودی خود هستند محک بزند یا اینکه به قول ایلچ، تحت «آزمونهای مقتدرانه» و محصور، تست نماید و فکر کند که محک و معیار باید فقط امتحان باشد.

راهکارهایی هم تاکنون پیشنهاد شده است. مثلا این که همه دانش‌آموزان را به یک نقطه در آموزش رساندن شکل موفقیت آمیزی در آموزش نیست. ما باید با یک پیشینه و قیاس تاریخی به این نقطه برسیم که چگونه آموزش و پرورش کشوری نظیر ژاپن توسعه پیدا کرد؟

آموزش و پرورش ژاپن هم اکنون به دوره‌ای رسیده که عمده تمرکزش را معطوف به مقطع پیش‌دانشگاهی، یعنی کسانی که می‌خواهند تازه وارد دانشگاه شوند کرده و روی آنها کارهای تجربی انجام می‌دهد تا دانش آموز قبل از رسیدن به دانشگاه مهارت‌های لازم را کسب کند.

در شماره بعد قسمت دوم سخنرانی دکتر خادمیان را خواهیم خواند...

این رمزگشایی از کودکی در معرض «کالاهای فرهنگی» قرار داشته است.

در یک تحقیق نیز ما با بررسی سبک‌های زندگی افراد در شهر تهران می‌خواستیم به این نتیجه برسیم که چه کسانی کتاب می‌خوانند؟ که به چند علت متفاوت دست پیدا کردیم. عده زیادی از خریداران کتاب در شهر تهران را معلمان، دانش‌آموزان و دانشجویان تشکیل می‌دادند یعنی در سبک خرید افراد با درآمد اقتصادی بالا یا کتاب جایی نداشت یا بسیار محدود بود. این تحقیق تقریباً شبیه کار بورديو بود با این تفاوت که وی این کار را بین دانشجویان گرفته بود اما ما بیشتر خریداران کتاب را مد نظر قرار داده بودیم.

بورديو معتقد بود آدم‌ها به واسطه سرمایه‌های گوناگون است که مبادرت به انجام کارهای گوناگون می‌کنند. در واقع ما با سرمایه‌های اقتصادی می‌توانیم دسترسی به کالاهای مختلف داشته باشیم اما اینکه سرمایه اجتماعی ما یعنی شبکه حمایت‌های اطراف ما چگونه است؟ و از همه مهمتر چگونه موقعیت اجتماعی ای داریم؟ را در مقوله «سرمایه فرهنگی» گنجانده است که باید در یک میدان یا همان عرصه‌های اجتماعی، مثل خانواده شکل بگیرد.

بورديو معتقد است؛ آموزش رسمی یک بخش بسیار کوچکی از سرمایه فرهنگی است مثلا مدرسه به خودی خود نمی‌تواند «ثروت فرهنگی» به افراد بدهد شاید فقط بتواند مدرک بدهد. در واقع افراد در عرصه‌های گوناگون اجتماعی موفق به اخذ سرمایه فرهنگی می‌شوند.

از نظر بورديو درست نیست ملاک در به رسمیت شناختن افراد فقط مدرک و آموزش‌های فراگرفته رسمی آنها باشد یعنی هرکسی با هر تبحری و با هر آموزشی که دارد تا





پروفسور کیکو ساکورای، معاون بین الملل و استاد تمام جامعه‌شناسی تطبیقی دانشگاه واسدای توکیوست وی در نشست علمی انجمن جامعه‌شناسی آموزش و پرورش ایران به ویژگی‌های نظام آموزش و پرورش ژاپن و تفاوت‌های آن با ایران پرداخته است که قسمت نخست آن را برایتان منتشر کرده ایم.

سخنرانی خانم پروفسور کیکو ساکورای با عنوان؛

نظام آموزش و پرورش در ژاپن (قسمت نخست)

باشد ولی با بقیه بچه‌ها همکاری نداشته باشد. معلم باید به آن رسیدگی کند. نمره امتحان شامل نمره درس و فعالیت می‌شود. ممکن است که بچه‌ای از نظر درس ضعیف باشد، ولی ارتباط خوبی با دیگران برقرار کند. این دانش‌آموز را خیلی تشویق می‌کنند و می‌گویند شما خیلی خوب کار می‌کنید. معلم باید در فرآیند درس به میزان کوشش دانش‌آموزان بیشتر از نمره به نتیجه توجه کند. این نکته هم خیلی مهم است چون استعداد بچه‌ها با هم متفاوت است. پس ممکن است نتیجه امتحان خیلی متفاوت باشد. ولی اگر همه بچه‌ها خیلی کوشش کنند معلم راضی می‌شود. مخصوصاً مقاطع دبستان این گونه هستند. اگر بچه‌ای استعداد کمی دارد ولی دو برابر کوشش می‌کند، می‌تواند به مقاطع بالا برسد. درس خواندن به صورت گروهی انجام می‌شود. تشویق می‌کنیم که دانش‌آموزان با هم مشورت کنند. آن‌ها گروه‌های چهار نفره یا ۶ نفره تشکیل می‌دهند و با هم درس می‌خوانند یا یک پروژه را کار می‌کنند.

معلم‌ها به صورت تمام وقت کار می‌کنند. من چند مدرسه ایران رفته‌ام و متوجه شدم که غیر از مدیر و مشاور و معلم راهنما تقریباً بیشتر معلم‌ها به صورت پاره وقت کار می‌کنند. در ژاپن همه معلم‌ها به صورت تمام‌وقت کار می‌کنند و هنگامی که درس نمی‌دهند، کار دیگری را انجام می‌دهند. معلم‌ها از ساعت ۸ صبح تا ۶ یا ۷ عصر در مدرسه می‌مانند و موقعی که درس نمی‌دهند به عنوان مربی یا مشاور کار می‌کنند. مدارس، یکشنبه‌ها تعطیل است، و شنبه‌ها به صورت پاره وقت است. همه معلم‌ها در یک اتاق با هم کار می‌کنند و در برنامه‌ریزی همه مسائل با هم مشورت می‌کنند. ناظم و تمام معلم‌ها میز خودشان را دارند و موقع زنگ تفریح همه به اتاق خود می‌روند و با هم ارتباط برقرار می‌کنند. از این رو، همه معلم‌ها اطلاع دارند که داخل مدرسه چه اتفاقی می‌افتد. هر روز ناظم می‌آید روی یک تخته سیاه اتاق معلم‌ها برنامه روزانه را می‌نویسد و با هم صحبت می‌کنند.

مدیریت مدرسه در ژاپن کمی با ایران متفاوت است. در اینجا مدیر نقش مهمی دارد. اگر مدیر عوض شود سیستم مدرسه کلاً عوض می‌شود. در ژاپن، مدیر باید به نظر همه معلم‌ها گوش دهد و با آنها مشارکت و مشورت کند و بعد از آن نتیجه را مطرح کند. موقعی که نتیجه را مدیر اعلام کرد باید همه

مقطع دبستان که بسیار مهم است چرا که تقریباً همه ژاپنی‌ها در ابتدایی مدرسه دولتی ثبت‌نام می‌کنند. مدارس دولتی پایه فرهنگی ژاپن را آموزش می‌دهند و ۳ برنامه آموزشی دارند؛ شامل: درس، فعالیت‌ها، اخلاق. برنامه درسی در هفته در ژاپن اینگونه است: زبان ژاپنی، علوم اجتماعی، ریاضی، علوم تجربی که زیاد با ایران فرقی ندارد. علاوه بر این که با تصویب وزارت آموزش و پرورش درس انگلیسی هم به خاطر جهانی شدن آن از سال پنجم و ششم اجباری شده است. به درس موسیقی هم خیلی اهمیت می‌دهند و به هنر و فنی و ورزش که خیلی مهم هستند. بخش دوم فعالیت و پروژه است. مخصوصاً در مقاطع دبیرستان، بچه‌ها از طریق فعالیت‌ها و پروژه‌های گوناگون بیشتر درس می‌خوانند. در ژاپن هم مثل ایران دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه، کنکور ورودی دارند. یکی از مسائل ژاپن این است که ما هم مثل ایرانی‌ها همه علم‌هایی که از غرب یاد گرفتیم سریع به زبان ژاپنی ترجمه می‌کنیم و درس می‌دهیم. پس بچه‌ها تا حالا خیلی لازم نداشتند که به زبان انگلیسی مسلط شوند چون تقریباً همه درس را می‌توانستند به زبان ژاپنی بخوانند. ولی با فرآیند جهانی شدن متوجه شدند که به روش قبل عقب می‌مانیم به همین خاطر دولت تصمیم گرفت که گوش دادن به انگلیسی را بیشتر کند. اگر خیلی گوش کنیم صحبت کردن هم خیلی راحت‌تر می‌شود.

دانش‌آموزان در دبستان دولتی لباس فرم ندارند، ولی از راهنمایی و دبیرستان لباس مدرسه دارند که بین مدارس گوناگون، متفاوت است. بعد از جنگ جهانی دوم مدرسه راهنمایی دولتی مختلط شد و پسران با دختران با هم درس می‌خوانند. نقش مهم معلم در کلاس این است که باید دانش‌آموزان را تا رسیدن به سطح میانگین راهنمایی کند. پس معلم برای بچه‌هایی که درشان ضعیف است تلاش می‌کند، نه برای بچه‌هایی که درشان قوی است. چون آنها زیاد به کمک معلم احتیاج ندارند و معلم باید با همه دانش‌آموزان بدون تبعیض رفتار کند.

مشارکت و کار گروهی وجه تمایز ایران و ژاپن
در مدارس ژاپن این نکته خیلی مهم است که معلم سر کلاس همه بچه‌ها را وادار به همکاری سر کلاس کند و روابط بین بچه‌ها را کنترل کند. ممکن است یک نفر درسش خوب

ابتدا کمی در مورد نظام آموزشی ژاپن توضیح می‌دهم. سیستم کلی آن نسبت به ایران خیلی فرق ندارد. پیش‌دبستان، ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان. پیش‌دبستان اجباری نیست. ولی اکثراً ۲ سال در پیش‌دستانی درس می‌خوانند. دبستان ۶ سال و راهنمایی ۳ سال است. این دو مقطع شامل ۹ سال تحصیل رایگان و اجباری است و همه حتماً باید فرزندان‌شان را به این دو مقطع بفرستند. دبیرستان ۳ است و الان تقریباً ۹۵ درصد فارغ‌التحصیلان راهنمایی به دبیرستان می‌روند. با وجود اینکه دبیرستان اجبار نیست ولی تقریباً همه به دبیرستان می‌روند. یک سال پیش دولت جدید اعلام کرد که شهریه دبیرستان را هم رایگان می‌کند و الان تقریباً رایگان شده است؛ یعنی تقریباً الان تمام بچه‌هایی که در ژاپن بزرگ می‌شوند ۱۲ سال پیش از دانشگاه درس می‌خوانند؛ علاوه بر این که تقریباً تمام بچه‌ها ۲ سال هم به پیش‌دستانی می‌روند.

چون پیش‌دبستان اجباری نیست حدود ۶۰ درصد این مدارس خصوصی است. اما این نکته خیلی مهم است که تقریباً ۹۹ دبستان‌ها دولتی و دروس دبستان دولتی یکسان است. در راهنمایی هم باز میزان مدارس دولتی خیلی بیشتر از خصوصی است. ولی همان‌طور که خدمت شما گفتم دبیرستان اجباری نیست؛ برای همین میزان مدارس خصوصی بیشتر می‌شود. دوره کاردانی هم داریم؛ یعنی بعد از دبیرستان کسانی که فقط ۲ سال درس را ادامه می‌دهند به دوره کاردانی می‌روند. این دوره با کاردانی در ایران خیلی متفاوت است. تقریباً تمام دوره کاردانی در ژاپن برای دختران است و اکثریت این آموزشگاه‌ها، خصوصی است. این مؤسسه‌ها تک جنسی هستند و دروس تغذیه، کودک یاری و ... دروسی که فقط خانم‌ها علاقه دارند درس می‌دهند. ژاپن هنوز یک مقدار سنتی است و خانواده‌هایی که دوست ندارند دخترشان به دانشگاه مختلط برود دوست دارند در کاردانی آموزش ببینند. دانشگاه هم اجباری نیست اما الان ۵۵ درصد فارغ‌التحصیلان دبیرستان به دانشگاه می‌روند و دانشگاه دولتی مختلط است. دانشگاه خصوصی تک جنسی زیاد است و تعداد دانشگاه تک جنسی (خانم‌ها) ۷۵ دانشگاه خصوصی است که فقط مخصوص خانم‌هاست. بعد از جنگ قانون ما عوض شد و همه مدرسه‌های دولتی مختلط شد. ولی پیش از جنگ جهانی دوم تمام مؤسسه‌های آموزشی جدا بود. این فرهنگ ماست.

همه مدارس دولتی باید مجهز به

حیات بزرگ و استخر باشند

وزارت آموزش و پرورش دستور دادند که همه مدارس دولتی باید حیات نسبتاً بزرگ و استخر داشته باشند. همه ساختمان‌ها اینگونه‌اند؛ حتی در شهرستانها یا شهرهای بزرگ خیلی فرقی ندارند و تقریباً یکسان هستند. در مدارس راهنمایی و دبستان به طور مرتب مراسم گوناگونی تشکیل می‌شود؛ مثل مراسم ورودی دبستان. همه بچه‌ها باید در نزدیک‌ترین مدرسه نزدیک منزلشان ثبت نام کنند، چون مدارس منطقه‌بندی شده‌اند.

مدارس ژاپن سه ستون برنامه آموزشی دارند؛ مخصوصاً در

است. مثلاً موقع زلزله این فرهنگ خیلی تأثیر داشت و در مردم مشهود بود یعنی هنگام زلزله انسانها که نمی‌توانند از آن جلوگیری کنند پس باید صبر و تحمل کنند و برای نوسازی مجدد نهایت تلاش خود را بکنند وگرنه نوسازی امکان‌پذیر نیست. موقع امتحان تقریباً همه خانواده‌ها به بچه‌ها می‌گویند.

ستون‌های آموزش در ژاپن، کتاب درسی، افراد و فعالیت هستند

ستون‌های آموزش از طریق کتاب درسی، افراد و فعالیت در ژاپن به وجود آمده‌اند. این سه خیلی مهم هستند و تربیت افراد همه کمی از ایران متفاوت است چون در ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم درس دادن موضوع دین در مدرسه دولتی ممنوع شد و معلم‌ها نباید در مورد دین صحبت کنند یعنی در مورد دین خاصی نباید حرف بزنند با نام خدای خاصی ولی افراد با دین رابطه خیلی غنی دارند و نمی‌توانند جدا شوند پس در مدرسه در مورد افراد زیاد صحبت می‌کنند ولی در مورد اسم خدای خاصی نباید صحبت کنند. بچه‌ای که سن کم دارد بیشتر در مورد روابط بین خود و دیگران آموزش می‌بیند. ژاپنی‌ها همیشه به این نقاط تأکید می‌کنند مثلاً یک بچه‌ای که در کلاس، شیطان باشد همیشه به وی توضیح می‌دهند که اگر شما این اعمال را در مورد دیگران انجام دهید دیگران چه احساسی می‌کنند. همیشه معلم آموزش می‌دهد که اگر شما این گونه رفتار کنید دیگران راضی هستند یا ناراحت می‌شوند پس همیشه فکر دیگران باشید. این بهترین روش برای تشویق روابط بین انسان‌هاست. اگر بچه کمی بزرگ‌تر شود روابط بین انسان را با خدا توضیح می‌دهیم. ژاپنی‌ها اکثراً الان بودایی هستند ولی پیش از بودایی شدن ژاپن، یک دین بومی داشتیم به نام شینو. شینو مثل اسلام نیست که کتاب خاصی داشته باشد بیشتر در مورد طبیعت صحبت می‌کند. ما ژاپنی‌ها اعتقاد داریم که نباید انسان را بالاتر از حیوان یا طبیعت دید. یعنی انسان هم جزء طبیعت است. باید روابط هم‌سازی تشکیل داد. انسان نباید طبیعت را برای خودش استفاده کند چون با این کار به طبیعت آسیب می‌زند. حیوانات هم جزء طبیعت هستند. این چیزی است که خدا به انسان داده است. تشکیل دادن روابط خوب با طبیعت نشان احترام به خدا هم هست. وقتی بچه‌ها سنشان بالاتر می‌رود روابط بین اعضای جامعه هم بیشتر به آنها توضیح داده می‌شود. یعنی روابط شخصی با انسان یا جامعه. یا اینکه در جامعه وظیفه انسان چیست و این موضوع موضوع درسی افراد در ژاپن است. این نکته هم خیلی مهم است مخصوصاً در مقاطع دبستان درس دادن مهارت زندگی خیلی اهمیت دارد و تقسیم وظایف گوناگون. مثل نظافت، بهداشت، آماده کردن نهار و پرورش حیوانات و نگهداری گیاه. معلم بچه‌ها را تقسیم‌بندی می‌کند و می‌گوید این هفته وظیفه این گروه آماده کردن نهار است و گروه دیگر نظافت. تمام مدرسه این کار را می‌کنند از دبستان تا دبیرستان. دانشگاه اینطور نیست. مثلاً کلاس را همه بچه‌ها جارو می‌کشند و بعد با پارچه آن را تمیز می‌کنند و این کار خیلی جدی است وظیفه است از اول دبستان انجام می‌دهند. و متوجه می‌شوند پاکیزگی فضای عمومی وظیفه همه اعضای جامعه است. این از بچگی آموزش داده می‌شود یا جمع کردن آشغال در پارک. کلاس تقریباً ۳ تمام می‌شود و بعد از آن جارو می‌کشند و بعد از آن بچه‌های راهنمایی می‌روند در فوق برنامه شرکت می‌کنند بچه‌های راهنمایی از صبح حدود ۸-۸/۳۰ تا ۶ عصر در مدرسه فعالیت می‌کنند و حتی روز تعطیل هم برای شرکت کردن در فوق برنامه بچه‌ها به مدرسه می‌روند.

مدرسه چون در طول هفته تمام وقت حضور دارند و یک اتاق مشترک دارند، خود را عضوی از مدرسه می‌دانند و به این احساس خیلی اهمیت می‌دهند. ژاپنی‌ها دوست ندارند به صورت پاره وقت کار کنند چون در این صورت، نمی‌توانند احساس تعلق گروهی داشته باشند؛ موضوعی که برای ژاپنی‌ها مهم است. البته این فرهنگ محدودیت‌هایی هم ایجاد می‌کند. مهم‌ترین آن این که امکان رشد خلاقیت شخصی افراد را محدود می‌کند.

کسانی که خیلی استعداد دارند راضی نیستند در شرکت ژاپنی کار کنند، چون نمی‌توانند خلاقیت شخصی خود را نشان دهند. بعد از جنگ جهانی دوم چون کشور ژاپن کاملاً خراب شد همه ژاپنی‌ها در بازسازی آن نقش ایفا کردند، آن موقع این فرهنگ خیلی مؤثر بود اما الان با توجه به فرآیند جهانی شدن، اگر ژاپن این فرهنگ را خیلی قوی نگهداری کند، نمی‌تواند با کشورهای توسعه‌یافته رقابت کند. به همین دلیل هم اکنون حتی وزارت آموزش و پرورش هم سعی می‌کند کمی این فرهنگ ژاپن را کم‌رنگ کند و سعی می‌کند فضایی درست کند تا افراد خلاقیتشان را راحت‌تر نشان دهند.

در ژاپن علاوه بر دروس آموزشی، فعالیت گوناگون که به آن اهمیت می‌دهند مثلاً برنامه موسیقی یک فرصت خوبی است که تجربه کنند فعالیت گروهی چگونه است. چون همیشه به صورت گروهی موزیک می‌سازند اگر یک نفر رعایت نکند موسیقی خراب می‌شود. اینگونه یعنی روش همکاری حتی در موسیقی بچه‌ها درس می‌گیرند. یا مثلاً جشن ورزشی در ژاپن خیلی مهم است از زمان‌های خیلی قدیم به این جشن اهمیت می‌دادیم.

دو نوع فعالیت داریم که مسابقه بین بچه‌هاست. مثلاً مسابقه دو که مشخص می‌شود کدام بچه بهتر و سریع‌تر می‌دود ولی این نوع مسابقه فقط مسابقه دو است و غیر از مسابقه بقیه فعالیت‌های ورزشی به شکل کار گروهی است. تقسیم کار، پرورش حس مسئولیت و تمرین همکاری خیلی مهم است. اگر یک نفر همکاری نکند خراب می‌شود. علاوه بر این جشن ورزشی یا موسیقی جزء برنامه رسمی و فوق برنامه‌ها هم در ژاپن جزء برنامه رسمی است.

در جشن ورزشی یا موسیقی همه باید شرکت کنند ولی در فوق برنامه می‌توانند انتخاب کنند. مثلاً بچه‌هایی که ورزش دوست دارند یا موسیقی می‌توانند خود انتخاب کنند. شرکت کردن فوق برنامه هم اجباری است. در ژاپن به آمادگی برای آتش‌سوزی و زلزله هم خیلی اهمیت می‌دهند و این هم برنامه اجباری است و همه مدارس باید سالی یک بار این برنامه را داشته باشند و همه باید شرکت کنند و اولیاء هم می‌آیند و کمک می‌کنند. تمام بچه‌ها برای محافظت از سر، موقع زلزله باید کلاه داشته باشند و پشت صندلی یک جای خاصی وجود دارد که همه باید در آنجا کلاه داشته باشند و موقع زلزله می‌پوشند و زیر میز پناه می‌گیرند. این یکی از ویژگی‌های مدرسه ژاپن است. گامباروگاما این دو زبان خیلی مهم است. اگر به ژاپن تشریف ببرید تقریباً هر روز یا ساعتی چند بار این لغت را می‌توانید گوش کنید. گامبارو یعنی نهایت تلاش خود را کردن یعنی نه فقط تلاش کردن یعنی بیشتر می‌توانم تلاش کنم و باید تلاش کنم.

– جوان‌ها معتقدند اگر بچه‌ها خیلی تلاش کنند همه چیز می‌توانند بدست آورند. این دو لغت با هم ارتباط دارند. گاما یعنی صبر و تحمل کردن. هر دو فرهنگ صبر و تحمل است. گامبارو از خود فعالیت نشان دادن است. تلاش کردن همیشه به صبر و پایداری نیاز دارد البته گاما بیشتر مشهور

معلم‌ها راضی باشند. هیچ تصمیمی نباید بی‌اطلاع معلمان گرفته شود. اگر بدون مشورت باشد همه اعتراض می‌کنند و راضی نیستند و در این صورت، ممکن است آن تصمیم را رعایت نکنند. این مشورت در مورد همه چیزهایی است که به نحوی به مدرسه و دانش‌آموزان مربوط می‌شود.

در مدرسه انجمن‌های دانش‌آموزی گوناگونی فعالیت می‌کنند. مدرسه تشویق می‌کند تا بچه‌ها انجمن تشکیل دهند و درباره فعالیت‌های انجمن تصمیم بگیرند. در این انجمن‌ها دانش‌آموزان به میزان زیادی خودمختاری دارند. این انجمن‌ها کمیته‌های گوناگون دارند؛ مانند: کمیته ورزش، فرهنگ، اجتماعی، انضباط، روزنامه مدرسه و صدا و سیما مدرسه. همه مدارس دولتی اینگونه‌اند. هدف این است که فرصتی به بچه‌ها داده شود که خودشان گروه تشکیل دهند و تصمیم‌گیری کنند. البته معلم‌ها هم کمک می‌کنند ولی به خودمختاری دانش‌آموز خیلی احترام می‌گذارند. موقع ناهار خوردن، تعدادی از بچه‌ها از تلویزیون مدرسه برنامه پخش می‌کنند و در آن اخبار مدرسه یا حتی اخبار منطقه و فعالیت‌های دانش‌آموزی اطلاع‌رسانی می‌شود و برنامه‌های دیگری از قبیل شعرخوانی و سخنرانی و .. هم دارند. بچه‌ها تلویزیون مدرسه را خیلی دوست دارند؛ چون سخنرانی‌ها هم توسط دانش‌آموزان انجام می‌شود. دولت هم دخالتی نمی‌کند. بچه‌های ژاپن سیاسی نیستند و بیش‌تر در مورد جامعه، هوا و طبیعت صحبت می‌کنند.

برای برقراری رابطه مناسب بین خانه و مدرسه، همه مدارس، انجمن اولیا و مربیان دارند. اولیا عمدتاً در فعالیت‌های فوق برنامه خیلی به مدارس کمک می‌کنند؛ مخصوصاً موقع جشن ورزش و تأثیر دانش‌آموزی و جشن‌ها. یک جشن به نام جشن مدرسه وجود دارد که همه بچه‌ها در برنامه‌ریزی آن دخالت دارند و نمایش‌ها و پروژه‌های خود را برای اولیا به نمایش می‌گذارند. این جشن مدرسه مخصوصاً در مقاطع دبیرستان اهمیت بیش‌تری می‌یابد و دانش‌آموزان تلاش گروهی بیش‌تری می‌کنند. تمام اعضای هر گروه برای نیل به هدف گروه بر اساس تقسیم کار انجام شده تمام تلاش خود را می‌کنند. گروه یک پیکره واحد است و بین اعضا آن رقابتی وجود ندارد. ولی بین گروه‌ها رقابت وجود دارد. پس برای پیروزی گروه حتماً عضو گروه باید خیلی خوب همکاری و تلاش کند. در همین برنامه‌ها دانش‌آموزان می‌آموزند که اهداف گروه را بر اهداف شخصی اولویت دهند. این نکته یکی از اصول تربیتی ژاپن است.

هر چند اولیا در برگزاری جشن‌های مدرسه نقش ایفا می‌کنند، اما در امور درسی زیاد دخالت نمی‌کنند. اگر دانش‌آموزی در درسی ضعیف باشد و از نظر علمی مشکل داشته باشد، معلم خانواده او را به مدرسه دعوت می‌کند و درباره مشکل او گفت و گو می‌کنند. علاوه بر این که در تمام دوره دبستان و راهنمایی، معلم باید سالی یک بار خانه دانش‌آموزان خود را بازدید کند. این خیلی مهم است. معلم باید اطلاع داشته باشد بچه‌ها در چه محیطی زندگی می‌کنند. ممکن است بچه‌ای در محیط سختی زندگی کند. معلم با توجه به محیط زندگی بچه روش تدریس را می‌تواند انتخاب کند.

در هر کلاس بین ۳۰ تا ۳۵ نفر دانش‌آموز حضور دارند

این که می‌بینید در ژاپن، کارمندان شرکت برای رسیدن به اهداف شرکت با کم‌رنگ کردن اهداف شخصی، تلاش می‌کنند و برای رسیدن به اهداف شرکت حتی فداکاری هم می‌کنند، از این تربیت پایه‌ای ناشی می‌شود. این همبستگی بین اعضای هر مجموعه‌ای خیلی قوی است. حتی معلم‌های



لیلی فریدونی / دبیر جامعه‌شناسی



تغییر محتوا و تالیف کتاب‌های علوم اجتماعی مقطع متوسطه، براساس اهداف نوین آموزشی از سال ۸۹ آغاز شده است. تغییرات اعمال شده طی سه سال گذشته دبیران جامعه‌شناسی و دانش‌آموزان رشته‌ی علوم انسانی را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. انتقادهای بی‌شمار نسبت به اشکالات و ابهامات این کتاب‌ها و عدم پاسخگویی مناسب گروه مولفین، زنگ خطری است که می‌تواند خسارت‌های جبران‌ناپذیری را برای نظام آموزشی به ویژه دبیران و دانش‌آموزان در پی داشته باشد.

کتاب‌های جدید، مهارت‌های قدیم

با رویکردی انتقادی نسبت به شیوه‌ی تغییر کتاب‌های علوم اجتماعی متوسطه

تزریق محتوای آموزشی جدید و رها کردن نیروهای آموزشی بدون کمترین آموزش و حمایت، آن هم در شرایطی که در کتاب‌های جدید مطالبی از علوم مختلف در کنارهم قرار گرفته مانع از تحول و توسعه‌ی آموزشی است و اگرچه دوبال پرواز آموزش را می‌گیرد گاهی ممکن است پای راه رفتنش را نیز بشکند.

در چنین شرایطی، ارتقاء توانمندی حرفه‌ای و مهارت‌افزایی معلمانی که رسالت سنگین آموزش را بر دوش دارند، تدوین شیوه‌های ارزشیابی متناسب با محتوای جدید، ایجاد ارتباط عمودی و افقی بین محتوای آموزشی، و مهم‌تر از همه اجرای آزمایشی و محدود کتاب‌های تازه نوشته شده قبل از تسری تصمیمات به کل مدارس صورت همزمان، امری معقول و منطقی به نظر می‌رسد.

به عبارت دیگر، تحول در فضای فیزیکی آموزش و پرورش، مهارت‌نیروی انسانی، محتوای کتاب‌های درسی، روش‌های تدریس، فرآیند یاددهی و یادگیری و شیوه‌های ارزشیابی از جمله شرایط ضروری برای پیشبرد اهداف این نهاد محسوب می‌شوند که در صورت تفکیک و پرداختن به بخشی از آنها و غفلت از بخشی دیگر، فاجعه‌ای می‌آفریند که جز کالبد چندتکه و جسم بی‌جان آموزش و پرورش چیزی باقی نمی‌ماند.

در اینجا باید پرسید چرا اجرای آزمایشی کتاب‌ها به فراموشی سپرده شده‌اند؟ چرا آموزش مهارت‌های علمی - تخصصی و کارگاهی نیروهای انسانی دیگر امری ضروری تلقی نمی‌شود؟ چرا شرایطی فراهم می‌گردد که مراکز ضمن خدمت به دلیل نداشتن بودجه برگزاری دوره‌های آموزش مهارت‌های ضروری ضمن تدریس را تعطیل کرده‌اند؟ چرا در سند تحول ملی به روز رسانی مداوم مهارت‌های تخصصی دبیران، به فراموشی سپرده شده است؟ چرا موارد آرمانی ذکر شده در ماده‌ی ۶ و ۷ سند برنامه‌ی درسی ملی، که در آنها به صراحت، مراحل تولید برنامه‌ها و مواد درسی و اجرای آزمایشی آنها ذکر شده است و ضرورت ایجاد تغییرات همه‌جانبه و در همه‌ی ابعاد مورد تأکید قرار گرفته است، صرفاً به یک شعار تبدیل شده است که زینت بخش این سند و مشابه آن است؟!

شناسی ۲ برای آغاز مهر ماه، داغ داغ از تور چاپخانه به دست معلم‌ان و دانش‌آموزان رسید. این کتاب به موقع آمد و معلم‌ها یکروز از دانش‌آموزان در دانستن محتوای کتاب در هر درس پیش بودند.

اما وضعیت در مورد کتاب علوم اجتماعی پیش‌دانشگاهی متفاوت بود زیرا فایل پی‌دی‌اف کتاب را می‌شد هفته‌ی آخر شهریورماه از سایت دفتر تالیف و برنامه‌ریزی کتب درسی دریافت کرد (گامی مهم درجهت هوشمندسازی و آموزش مبتنی بر تکنولوژی نوین!!!) دوهفته پس از آغاز سال تحصیلی، دانش‌آموزان مقطع پیش‌دانشگاهی کتاب درسی علوم اجتماعی را نداشتند برخی نیز کتاب‌های قدیمی از رده خارج را تهیه کرده بودند!!! در برخی از مدارس، کتاب علوم اجتماعی از بازار انقلاب تا ۷۰۰۰ تومان توسط دانش‌آموزان خریداری شده بود. قطعاتی چنین وضعی دبیران و دانش‌آموزان شهرستانی از شرایط نامساعدتری برخوردار بودند زیرا نه به اینترنت پرسرعت دسترسی داشتند و نه به بازار کتاب تهران!

در کنار دیر آماده شدن و حتی دسترس‌ناپذیر بودن کتاب و سردرگمی دبیران و دانش‌آموزان در آغاز سال تحصیلی، عدم آماده‌سازی تخصصی دبیران، می‌توان به متن دشوار و کاربرد مفاهیم انتزاعی و تاحدی خارج از فهم دانش‌آموزان اشاره نمود. این مساله که بیشتر در محتوای جامعه‌شناسی ۱ مشهود است، موجی از اعتراض و انتقاد را در بین دبیران علوم اجتماعی برانگیخت.

به نظر می‌رسد مولفین عزیز، گستردگی جغرافیایی و تفاوت ظرفیت گنجینه‌ی ذهنی دانش‌آموزان سراسر کشور را در نظر نگرفته‌اند.

تجربه نشان داده است که پیشرفت و بالندگی هر کشور به کارآمدی نیروی انسانی آن کشور بستگی دارد و در سایه‌ی داشتن نیروی انسانی متخصص و با دانش است که می‌توان به رویای یک جامعه‌ی توسعه‌یافته دست یافت. تحقق اهداف آموزش و پرورش نیز مستلزم وجود نیروی انسانی آگاه، زبده و کارداران است و پیشرفت همه‌جانبه بدون داشتن انسان‌هایی فرهیخته و مجهز به علم امکان‌پذیر نیست.

پیش از این، در وزارت آموزش و پرورش اگر قرار بود کتابی به طور کامل تغییر کند، پس از تغییر می‌بایست کتاب جدید به مدت یک سال و در تعداد محدودی از مدارس به صورت آزمایشی تدریس شود تا اشکالات، ابهامات و کاستی‌های کتاب جدید و هم چنین مشکلات معلمان در تدریس و میزان درک مطالب توسط دانش‌آموز مشخص شود تا پس از رفع این موارد، کتاب اصلاح و به عنوان یک کتاب استاندارد برای همه دانش‌آموزان آن مقطع ارائه گردد و این امر فرصتی فراهم می‌آورد تا معلمان، آموزش‌های لازم را برای تدریس این کتاب ببینند.

با توجه به دگرگونی‌های سریع جهان کنونی، تغییر محتوای آموزشی کتاب‌ها امری ضروری و لازم الاجراست. امروزه دانش جدید باید به طور پیوسته و مداوم در مواد درسی گنجانده شود اما متعاقب آن باید به طور همزمان، چندین مورد از مولفه‌های درگیر در امر آموزش نیز دستخوش تغییر و به روزآوری گردند. کتاب‌های علوم اجتماعی متوسطه نیز از این قاعده برکنار نمانده‌اند. در سال‌های اخیر محتوای این کتاب‌ها کاملاً دگرگون شده و با رویکردی متفاوت و نگارشی نه چندان روان و تا حدی به دور از زبان معمول کتاب‌های پیشین، نگاشته شده‌اند.

به نظر می‌رسد اگر با دیدی وسیع‌تر به نحوه‌ی ورود ناگهانی کتاب‌های درسی تازه تالیف شده‌ی علوم اجتماعی به سیستم آموزشی در سال‌های اخیر نگاهی بیفکنیم، می‌توانیم افزایش یا کاهش سرعت تحول آموزش در چند سال آینده را پیش‌بینی کنیم.

با توجه به تغییر شتابزده‌ی کتاب جامعه‌شناسی ۱ و ۲ که گویی تلاشی بود در جهت قطع رابطه‌ی دانسته‌های پیشین دانش‌آموزان با مطالب جدیدی که برای آنها تدارک دیده بود، این کتاب‌ها درحالی که مملو از اشکالات و ایرادی، محتوایی و تا حدی بافاصله از استانداردهای نگارشی بودند درواپسین لحظات شهریورماه تدوین و بدون بررسی‌های آزمایشی و تعمق‌های اولیه وارد مدارس شدند.

جامعه‌شناسی ۱ چنان سرزده و پراز اشکال و ابهام آمد که در بسیاری از شهرستان‌ها معلمان هیچ گونه اطلاعی از تغییر کتاب و محتوای جدید آن نداشتند به طوری که در هفته‌ی اول مهر ماه، از طریق دانش‌آموزان متوجه تغییر کتاب درسی شده بودند. با تلاش شبانه‌روزی مولفان محترم در سال بعد، کتاب جامعه‌

کارگاه آموزشی کتاب جامعه‌شناسی «نظام جهانی»

موضوع: بیدارگران اسلامی و منورالفکران و روشنفکران غرب زده انقلاب اسلامی ایران، بیداری اسلامی فصل چهارم جهان اسلام
با حضور آقای ثبی زاده

(درس‌های دوازدهم و سیزدهم و چهاردهم)



در درس دوازدهم ابتدا با نخستین بیدارگران اسلامی آشنا می‌شویم اینکه چه کسانی بودند مهمترین ویژگی آن‌ها چه بود و میزان آشنایی آن‌ها با فرهنگ غرب آیا عمیق بود یا خیر و خطر غرب را در چه چیزی می‌دانستند پس از آن‌ها یک جریان موازی شکل گرفت که از آن با عنوان منورالفکران غرب زده یاد می‌کنند که فقط در اصلاح رفتار دولت‌های مسلمان با بیدارگران اسلامی اشتراک داشتند از دل همین منورالفکران اندیشه‌های ناسیونالیستی شکل گرفت که به حکومت سکولار تبدیل شد.

اعتراض بعضی از نخبگان که از آن‌ها به جریان چپ یاد می‌کنند نسل دوم غرب زدگان را در کشور های اسلامی پدید آورد که برخی به صورت مکاتب الحادی و برخی به نوعی روشنفکری التقاطی در آمدند این گروه‌های چپ سرانجام، اغلب در سایه کشورهای بلوک شرق ایجاد شدند و برخی هم با حمایت همین بلوک به قدرت رسیدند در درس سیزدهم در زیر مجموعه انقلاب مشروطه، با اقدامات نخستین بیدارگران مسلمان نظیر جنبش‌هایی برای اصلاح رفتار مثل قیام تنباکو و جنبش‌هایی برای اصلاح ساختار مثل جنبش عدالت خانه مشروطه آشنا می‌شویم پس از آن به دلایل متوقف شدن مشروطه که از جمله آن‌ها حضور قدرت‌های استعماری (به نفع منورالفکران) بود اشاره خواهد شد در ادامه خواهید دید که انقلاب اسلامی، بازگشت مردم ایران به حرکت نا تمام مشروطه است که هفتاد سال پس از مشروطه رخ داد البته مشروطه با انقلاب اسلامی از چند جهت تفاوت داشت که مهمترین آن در بحث براندازی حکومت است.

انقلاب اسلامی با انقلاب‌های آزادی بخش قبل از خود،

اسلامی ایران و بخصوص با مهم‌ترین آن یعنی سلسله قیام‌ها و انقلاب‌های گسترده‌ی مردم در کشور های عربی اشاره خواهد شد. انقلاب اسلامی، به موازات آرمان‌های خود، حضوری فراتر از مرزهای جهان اسلام نشان داد که باعث شد بحران‌های معرفتی و معنوی غرب فرصت ظهور یابد که به تدریج به فروپاشی دنیای دو قطبی انجامد و سرانجام جهان اسلام را به عنوان یک قطب تمدنی و فرهنگی مطرح کرد.

در جهت‌گیری ضد استعماری داشتن مشترک بود اما در نوع رویارویی با دشمن، نوع مشارکت مردم و داشتن یا نداشتن چارچوب‌های نظری تفاوت‌هایی داشت. در درس چهاردهم، ابتدا با معیار شناخت انقلاب اسلامی به عنوان نخستین انقلاب پس از انقلاب فرانسه آشنا می‌شویم. انقلابی که الگوی رفتاری خود را از فقه سیاسی و اجتماعی شیعی و رفتار خود را بر همان اساس سازمان می‌داد پس از آن به تأثیرات و پیامدهای انقلاب



انجمن جامعه‌شناسی آموزش و پرورش ایران

دعوت به همکاری

IASE-NGO.IR



انجمن جامعه‌شناسی آموزش و پرورش ایران

بدینوسیله از اساتید، دانشجویان و معلمان علاقه‌مند به فعالیت در حوزه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش دعوت به همکاری می‌شود.

آدرس: خیابان کریمخان - ابتدای آبان شمالی - ساختمان مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی طبقه دوم - اتاق ۲،۷

روزهای زوج از ساعت ۱۰ الی ۱۴

علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به سایت انجمن نیز نسبت به ثبت نام اقدام نمایند.

وزیر آموزش و پرورش:

استخدام نداریم



گروه خبر- وزیر آموزش و پرورش با بیان اینکه تا پایان خردادماه برنامه‌ای برای جذب نیروی جدید نداریم، گفت: اولویت جذب نیرو برای رشته‌های فنی است که سال آینده جمع‌بندی‌های لازم را انجام خواهیم داد.

به گزارش ایسنا، حمیدرضا حاجی بابایی در حاشیه «همایش امر به معروف و نهی از منکر» درباره مجوز استخدام که در جلسه هیات دولت تعیین شده و اینکه آیا آموزش و پرورش امسال استخدام نیرو دارد؟ گفت: استخدام نیرو نداریم و همه کسانی که پیش از این در آزمون آموزش و پرورش شرکت کرده‌اند، تعیین تکلیف و تعدادی نیز استخدام شده‌اند.

وی با بیان اینکه مجوز استخدام از قبل هم برای آموزش و پرورش وجود داشته، افزود: پیش از این مجوزهای لازم به استانداری‌ها ابلاغ شده، اما آموزش و پرورش بر اساس نیاز خود به نیروی انسانی برنامه استخدام را در پیش می‌گیرد.

حاجی بابایی ادامه داد: تا پایان خردادماه برنامه‌ای برای جذب نیروی جدید نداریم و نیازهای آموزش و پرورش به سمت رشته‌هایی که بر اساس ساماندهی احصاء شده است هدایت می‌شود و در مورد جذب نیرو در رشته‌های فنی که در اولویت اول است، سال آینده جمع‌بندی‌های لازم را انجام خواهیم داد.

وزیر آموزش و پرورش در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه از بین یک‌هزار تا چهار هزار ظرفیت جدید که برای استخدام از سوی دولت به استانها اعلام شده آیا شامل آموزش و پرورش هم می‌شود؟ پاسخ داد: آموزش و پرورش دستگاه ملی است و اگر تصمیماتی اتخاذ می‌شود، باید در سطح ملی باشد نه استانی.

اظهارات وزیر آموزش و پرورش درباره انتخابات

وزیر آموزش و پرورش با اشاره به انتخابات ریاست جمهوری در سال آینده، گفت: هیچ احزاب، گروه و افرادی نباید در داخل آموزش و پرورش موضع‌گیری کنند.

حمیدرضا حاجی بابایی، وزیر آموزش و پرورش در گفت‌وگو با فارس در خصوص انتخابات ریاست جمهوری اظهار داشت: هنوز برنامه‌ریزی کردن در این خصوص زودهنگام است اما قطعاً وقتی به آستانه انتخابات نزدیک‌تر شویم، بحث‌ها و مطالبی که مستلزم حفظ آموزش و پرورش است را به تمام مدیران آموزش و پرورش سراسر کشور اعلام می‌کنیم.

وی در واکنش به این موضوع که برخی کاندیداهای احتمالی ریاست جمهوری، فعالیت‌های تبلیغاتی خود را از هم‌اکنون آغاز کرده‌اند، گفت: این افراد کار قانونی انجام نمی‌دهند و خلاف می‌کنند.

حاجی بابایی افزود: ما نمی‌توانیم برای کسانی که در حال حاضر خلاف می‌کنند، دستورالعمل صادر کنیم.

وی با تأکید بر اینکه آموزش و پرورش یک دستگاه دولتی است، ادامه داد: آموزش و پرورش همیشه یک سر و گردن از اینکه احزاب، گروه‌ها و افراد بخواهند داخل آن موضع‌گیری کنند باید به دور باشد.

وزیر آموزش و پرورش تصریح کرد: «آموزش و پرورش» باید مرکز تعلیم و تربیت باشد و افراد باید اینگونه اقدامات را در بیرون از دستگاه تعلیم و تربیت انجام دهند.

آغاز هفته پژوهش با محوریت اقتصاد دانش بنیان

در ۲۷ آذر ماه، برگزاری اختتامیه جشنواره تجلیل از پژوهشگران و فناوران برتر کشور در ۲۸ آذر ماه سال جاری از جمله برنامه‌های روزها ی مختلف هفته پژوهش و فناوری سال جاری است.

ریحانه افیلیان- هفته پژوهش و فناوری از ۲۲ تا ۲۸ آذرماه با شعار محوری اقتصاد دانش بنیان، پیشران جهاد اقتصادی برگزار می‌شود.

عناوین روزهای هفته پژوهش از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اعلام شد که به شرح زیر است:

سه شنبه ۲۲ آذر ماه روز «پژوهش و فناوری، همکاری دانشگاه، صنعت و دولت»

چهارشنبه ۲۳ آذرماه روز «پژوهش و فناوری، مدیریت حرفه ای پژوهش و فناوری»

پنج شنبه ۲۴ آذرماه روز «پژوهش و فناوری، علم نافع و پژوهشهای کاربردی»

جمعه ۲۵ آذر ماه روز «پژوهش و فناوری، دانشگاه تمدن ساز، جامعه و انتظارات متقابل»

شنبه ۲۶ آذرماه روز «پژوهش و فناوری، پژوهشگران و فناوران عرصه پیشرفت»

یکشنبه ۲۷ آذرماه روز «پژوهش و فناوری، علم دینی و تعالی جامعه بشری»

دوشنبه ۲۸ آذرماه روز «پژوهش و فناوری، چرخه علم به ثروت (ایده تا بازار)».

همچنین وزارت علوم به مناسبت ۲۷ آذر ماه روز حوزه و دانشگاه، مراسم ویژه ای را برگزار می‌کند.

معاون پژوهشی و فناوری وزیر علوم با اعلام برنامه‌های هفته پژوهش و فناوری سال جاری که از سه شنبه ۲۲ آذر ماه آغاز می‌شود از افتتاح فن بازار دائمی جمهوری اسلامی ایران با ارائه حدود ۳۰۰ فناوری مختلف و همچنین افتتاح شبکه علمی کشور با اتصال ۱۴ دانشگاه و مرکز پژوهشی مختلف در این هفته خبر داد.

به گزارش ایسنا، دکتر محمد مهدی نژاد نوری که در نشست خبری هفته پژوهش سخن می‌گفت، اظهار کرد: نواختن زنگ پژوهش در اولین روز هفته پژوهش (۲۲ آذرماه) به همراه افتتاح نمایشگاه دستاوردهای پژوهش و فناوری، برگزاری جشنواره تجلیل از پژوهشگران و فناوران برتر کشور در ۲۶ آذر ماه و افتتاح شبکه علمی، برگزاری کنفرانس ملی مدیریت پژوهش و فناوری



برگزاری کنفرانس ملی مدیریت پژوهش و فناوری

«کنکور» برای آموزش پرورش خطرناک است

کرده‌ایم، این آسیب‌ها بیش از گذشته خود را نشان می‌دهد.

دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش، ادامه برگزاری کنکور آنهم به شیوه فعلی را یک مانع بر سر راه تحول آموزش و پرورش برشمرد و اذعان کرد: مراجع ذیصلاح از جمله مجلس شورای اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و سایر نهادهای مرجع باید با استفاده از یافته‌های علمی و پژوهشی و با بهره‌گیری از تجربیات بین‌المللی راهکار مناسبی را برای گزینش و پذیرش دانشجویان در دانشگاه‌های کشور انتخاب کنند.

نوید ادهم تاکید کرد: باید زمینه‌های تحول بنیادین در آموزش و پرورش بیش از پیش فراهم شود تا دانشگاه‌ها بتوانند بهترین و مناسب‌ترین نیروها را گزینش کنند و در این راستا «سوابق تحصیلی» یکی از عوامل و مولفه‌های مهم در پذیرش دانشجویان به شمار می‌آید.

اظهار کرد: برگزاری کنکور و پذیرش دانشجویان با مدل و شیوه فعلی نه تنها از گذشته مورد انتقاد کارشناسان و صاحب نظران تعلیم و تربیت بوده، امروز نیز کماکان این انتقادات به قوت خود باقی است.

وی با بیان اینکه کارشناسان معتقدند برگزاری کنکور به شیوه فعلی از زوایای مختلف برای آموزش و پرورش خطرناک بوده و آثار منفی برای آن دارد، افزود: اکنون که به سمت تحول بنیادین حرکت

دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش با بیان اینکه برگزاری کنکور از زوایای مختلف برای آموزش و پرورش خطرناک است، ادامه این روند را یک مانع بر سر راه تحول بنیادین آموزش و پرورش برشمرد.

مهدی نوید ادهم در گفت‌وگو با ایسنا، درباره اینکه عنوان می‌شود آموزش و پرورش در ارائه سوابق تحصیلی به سازمان سنجش عملکرد مناسبی ندارد، با طرح آسیب‌های فعلی کنکور



آمادگی آموزش و پرورش برای حذف کنکور

عرفی پیشنهاد داد: در بازنگری قانون حذف کنکور باید بخش عمده‌ای از رشته - شهرهایی که دانش آموز تمایل دارد در شهر و استان خود ادامه تحصیل دهد، از دایره رقابت کنکور حذف شود و متقاضی بدون دادن کنکور در دانشگاه مورد نظر شهر خود ثبت نام کند. وی ادامه داد: اگر قرار باشد رقابت کنکوری بین دانش آموزان ایجاد شود، باید این رقابت برای یکسری دانشگاه‌های پرتعداد در کلان شهرها برگزار شود، ضمن آنکه باید به معدل کتبی و سوابق تحصیلی دانش آموز نیز توجه ویژه شود.

حذف کنکور باید مورد بازنگری قرار گیرد. وی با بیان اینکه بازنگری نمایندگان مجلس تا پایان امسال به اتمام می‌رسد، افزود: هدف از حذف کنکور کاهش استرس و دغدغه دانش آموز بود تا بتواند فکر خود را متمرکز بر یادگیری درس‌های سال آخر دبیرستان کند. در شرایطی که براساس گزارش وزارت علوم و دانشگاه آزاد بسیاری از دانشجویان برای جذب در دانشگاه‌ها چندان رقابتی با هم ندارند که خود به خود فلسفه کنکور و رقابت ماهیت خود را از دست داده است.

رئیس مرکز سنجش آموزش و پرورش اعلام کرد که اعضای کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی در حال بازنگری قانون حذف کنکور هستند و تا پایان امسال وضعیت حذف کنکور تعیین تکلیف می‌شود.

به گزارش مشرق، عبدالامیر عرفی در گفتگو با مهر با بیان این مطلب گفت: آموزش و پرورش وظایف خود را درباره حذف کنکور انجام داده است و این وزارتخانه آماده حذف کنکور است. اما اعضای کمیسیون آموزش مجلس اعلام کرده‌اند که قانون

مصوبات جلسه هیئت مدیره انجمن جامعه‌شناسی آموزش و پرورش ایران مهر ماه ۹۱

در این جلسه مقرر گردید؛

شناسی آموزش و پرورش همزمان در جشنواره تقدیر از پژوهش‌ها و پایان نامه‌ها برگزار گردد.

پس از بررسی شیوه نامه تهیه گردد.
- جشنواره تقدیر از پایان نامه‌ها و پژوهش‌ها فقط به پژوهش‌ها و پایان نامه‌ها محدود شود.
- تقدیر از پیشکسوت‌های حوزه جامعه

- برای برگزاری جشنواره پایان نامه‌های برتر زمان مناسب انتهای سال ۱۳۹۱ خواهد بود. ابتدا کمیته جشنواره تشکیل گردد و پیش نویس توسط گروه اجرا کننده آماده شود.



پرونده ویژه ۱۶ آذر

نگاهی تئوریک به جنبش دانشجویی

جواد محلوچی

تحت عنوان سازمان یافتگی ضعیف یاد می‌کند و نماد این مسئله را عدم صدور کارت عضویت از سوی جنبشها برای اعضایشان، (برخلاف احزاب) می‌داند. به عبارت دیگر جنبشهای اجتماعی عضو ندارند، بلکه مشارکت کننده دارند.

از آنجا که میان انواع گوناگون جنبشهای اجتماعی تفاوت وجود دارد، تعریفهای ارائه شده در مورد این مسئله اجتماعی بسیار کلی است. جامعه‌شناسان برای گذر از مرحله کلی‌گویی در باب جنبش‌های اجتماعی این پدیده اجتماعی را ذیل طبقه‌بندی‌های خاص مورد بررسی قرار داده‌اند. جنبش دانشجویی را نمی‌توان ذیل هیچ یک از تقسیم‌بندیهای انجام شده در مورد جنبش‌های اجتماعی مورد بررسی قرار داد. این مسئله ناشی از آن است که در جنبشهای دانشجویی، با توجه به پیچیدگی و گسترش دامنه جنبشها و تنوع افکار دانشجویان، ایدئولوژیهای متعددی مطرح می‌شود. از این رو می‌توان خود جنبش دانشجویی را به انواعی از جنبشها تقسیم کرد.

به نظر می‌رسد تجلی صورتهای متفاوت جنبش دانشجویی در جوامع مختلف با خصوصیات هر جامعه

در سراسر تاریخ وجود داشته‌اند، اما جنبش اجتماعی از حد یک اعتراض فراتر رفته و قصد دارد ایده‌ها و برنامه‌هایی را در جامعه به مرحله‌ی اجرا بگذارد. جنبش اجتماعی به این معنا و به عنوان یکی از انواع رفتارهای جمعی و اعتراضی پدیده‌ای مختص جوامع مدرن است. انسان در جهان مدرن با تکیه بر خردگرایی به ضدیت با هر نوع انقیاد و به عبارت بهتر به ضدیت و مقاومت در مقابل هر چه که می‌تواند جلوی فردیت فرد را بگیرد می‌پردازد. جنبشهای اجتماعی همواره به واسطه تضاد اجتماعی، «یعنی به وسیله رقیبان آشکارا تعریف شده مشخص می‌شوند». آلن تورن معتقد است بسیاری از انواع رفتار جمعی مانند هراسها، شورها، مدها را که برآمده از یک تضاد اجتماعی نیستند، نمی‌توان جنبش اجتماعی به شمار آورد. آنتونی گیدنز معتقد است: «جنبش اجتماعی را می‌توان کوشش جمعی برای پیشبرد منافع مشترک، یا هدفی مشترک از طریق عمل جمعی خارج از حوزه‌ی نهادهای رسمی تعریف کرد».

تاکید بر خارج بودن این حرکت از حوزه‌ی نهادهای رسمی به دلیل حفظ تمایز روشن میان جنبش و حزب صورت گرفته است. تام باتامور از این ویژگی جنبشها

برای دستیابی به یک چارچوب تئوریک در باب جنبش دانشجویی ناگزیر از ارائه کلیاتی در مورد جنبشهای اجتماعی هستیم. البته باید توجه داشت که بحث در باب جنبشهای اجتماعی گسترده‌تر از آن است که بتوان در این مختصر به یک واکاوی رضایتبخش از آن دست یافت. با این وجود، توجه به تئوریهای مطرح در باب جنبشهای اجتماعی فهم مقوله‌ی جنبش دانشجویی را برای ما دسترس پذیر می‌سازد.

توجه به زمینه‌های اندیشگی و اجتماعی جوامع در اعصار گوناگون برای فهم رفتارهای جمعی اعتراضی در این جوامع بسیار حائز اهمیت است. آلبر کامو در این زمینه معتقد است «سنت همانا تقدس مطلق است، در دنیای تقدس مطلق مسئله شورش مطرح نمی‌شود، زیرا در این دنیا چیزی به صورت پرسش مطرح نمی‌گردد، همه پاسخها همزمان داده شده‌اند و اسطوره در جای متافیزیک استقرار یافته است». البته شورشهای اعتراضی به عنوان یک عمل جمعی (اما واکنشی) در برابر اربابان و حاکمان

نمی‌شود.

در مجموع وجود انرژی متراکم و احساسات جوانی، آرمانگرایی، عدم تعلق و وابستگی به گروه‌های اقتصادی و ذینفع در نظم مستقر از یک طرف و وجود تفکر انتقادی و اصلاح طلب دانشجویان از طرف دیگر آنان را در صف مقدم تحول طلبان قرار می‌دهد و به مبارزه با سنتها و نهادهای قدیمی که پاسخگوی نیازهای جدید جامعه نیستند، فرا می‌خواند. این موضوع زمینه‌ای اساسی برای فعالیتهای سیاسی دانشجویان می‌باشد. البته شرایط دانشجو و دانشگاه آنها را به سمت سیاسی شدن سوق می‌دهد، اما نحوه حضور آنها در سیاست متأثر از فاکتورهای بسیاری است. شکل ظهور این جنبشها بستگی به نوع نظام سیاسی، آزادی در تشکیل سازمانهای سیاسی و ارتباطات میان تشکلهای سیاسی دارد. نکته حائز اهمیت دیگر در باب جنبش دانشجویی این مسئله است که باورهای تعمیم یافته جنبش دانشجویی در هر عصر متأثر از جریان غالب

روشنفکری در همان دوره است. این هماهنگی در تاریخ جنبش دانشجویی ایران به وضوح قابل پی گیری است.

در پایان برای درک وضعیت جنبش دانشجویی در جوامع در حال نو سازی این گفته هانتینگتون بسیار قابل تامل می نماید که معتقد است: «اگر تنها یک شکاف در میان همه کشورهای دستخوش نوسازی وجود داشته باشد، همان شکاف میان حکومت و دانشگاه است.» البته جنبشهای دانشجویی در جهان سوم نیز همیشه

برانداز نیستند. تاریخ جنبش دانشجویی در ایران این مسئله را تایید می کند اهدافی که جنبش دانشجویی پیگیری می کند عمدتاً در دو قالب اهداف اصلاح طلبی و انقلابی قرار می گیرد. جنبشهای دانشجویی اصلاح طلب با پذیرش کلی نظام حاکم، سعی در اصلاح درونی نظام دارند و به همین دلیل استراتژی و تاکتیکهای این جنبشها به گونه‌ای انتخاب می شوند که منجر به اصلاح نظام حاکم شود، البته اصلاحات تدریجی کمتر با روحیات نقاد و پرانرژی دانشجویان همخوانی دارد و از این رو آنها خواستار اصلاحات سریع هستند. مختصری که گذشت تنها در پی نشان دادن گوشه‌ای از پیچیدگی های جنبش دانشجویی به عنوان یک پدیده اجتماعی است باشد که در اظهار نظر ها بیشتر مراقب باشیم.

نسبت به آموزش دانشجویان در خارج از کشور افزایش داد و همین امر عامل و انگیزه ای شد تا امر تاسیس دانشگاه تهران که طرح آن از ۱۳۰۷ مطرح بود، با شتاب بیشتری دنبال شود.

بالاخره دانشگاه تهران در روز جمعه ۲۴ اسفند ۱۳۱۳ به دست شاه افتتاح گردید. رضاشاه به رغم اقدامهایی که برای گسترش آموزشهای جدید در ایران و به ویژه سازماندهی و تاسیس دانشگاه تهران کرد، همواره نگران این بود که محصلین و دانشجویان به افکار آزادیخواهانه رو بیاورند. اما در عمل منع دانشجویان از یادگیری جنبه های سیاسی و اجتماعی تمدن جدید، امکان پذیر نبود. ناکار آمدی روش های سرکوب برای جلوگیری از اشاعه و رشد افکار آزادی خواهانه را در روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ می توان مشاهده کرد. در آن روز طی درگیری هایی که بین دانشجویان و مهاجمان نظامی در دانشگاه تهران صورت گرفت سه تن از دانشجویان دانشکده فنی به نام های

براساس میزان پیشرفت یا عدم پیشرفت و نیز مشکلات خاص اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و چگونگی نوع نظام سیاسی آن جامعه ارتباط تنگاتنگی دارد. با این وجود توجه به تجربیات جوامع دیگر در این زمینه می تواند به روشن شدن موضوع کمک کند، به خصوص که مسئله ی جنبشهای دانشجویی پس از تجربه ی کشورهای غربی در دهه ۱۹۶۰ به عنوان یک پدیده ی اجتماعی واقعاً موجود، مورد توجه تئوری های جامعه شناختی قرار گرفت. هابرماس که از نزدیک با جنبش دانشجویی دهه ۶۰ در آلمان درگیر بود، از دانشجویان به عنوان یکی از مجاری مهم روشنگری سیاسی ستایش می کند و چنین می نویسد: «دانشجویان از آنجا که مستقیماً تحت نفوذ و تاثیر گروههای ذینفع اقتصادی قرار ندارند، می توانند وظیفه ی مهم جبران سرکوب نظرات انتقادی به وسیله مطبوعات، احزاب سیاسی و حکومت را ایفا کنند»

از منظر هابرماس، «هدف فوری اعتراضات دانشجویی سیاسی کردن حوزه عمومی است.» با توجه به چنین ویژگیهایی جنبش دانشجویی در غرب به تدریج به جنبشهای اجتماعی جدید گرایش یافته است. که جنبشهای دانشجویی در ایران را نمی توان از زمره آنها دانست. گرچه تأثیرپذیریها و روابط جنبش دانشجویی ایران با جنبشهای دهه شصت غیرقابل چشم پوشی است. بطور مثال حضور گسترده اعضای کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی در حوادث دهه ی ۶۰ در آلمان و فرانسه نمونه ای از این روابط است.

باید توجه داشت که همین تأثیرپذیری از جنبشهای اجتماعی جدید که از سویی با آرمانگرایی ذاتی دانشجویان نیز همخوان است، نوعی تناقض و تضاد را نیز بدنبال خود آورده است. بطور کلی در جهان سوم، مطالبات متنوع دوره های گوناگون بر هم انباشته می شود و خود منشاء تناقضات عدیده ای می گردد. در مورد ایران میتوان گفت آغازین جرقه های شکلگیری جنبش دانشجویی به اعزام دانشجو به خارج باز می گردد. اما نقطه ی عطفی که می توان گفت شروع جنبش دانشجویی ایران است، به کنفرانس فوریه ۱۹۳۱ دانشجویان ایرانی مقیم کلن آلمان باز می گردد کنفرانس مزبور درباره سرکوب و شکنجه زندانیان سیاسی در ایران گزارشی تهیه و آن را برای مطبوعات اروپا فرستاد. این مسئله دولت رضاشاه را با چالش مواجه کرد، در حدی که مقابله با این حرکت را سفیر ایران در آلمان به طور رسمی دنبال می کرد. جالب آنکه سیاسی شدن دانشجویان در اروپا نگرانی رضاشاه را



مهدی شریعت رضوی، احمد قندچی و مصطفی بزرگ نیا به شهادت رسیدند و تعداد زیادی نیز مجروح شدند. از آن پس ۱۶ آذر به عنوان روز دانشجو در تقویم خاطره ایرانیان ثبت شد و دانشجویان همه ساله سالگرد آن روز بزرگ را گرامی میدارند.

بررسیهای ما در مورد جنبشهای دانشجویی این مساله را روشن میسازد که باید آشکارا میان جنبشهای دانشجویی در کشورهای جهان سوم از جمله ایران با آنچه تحت عنوان جنبش دانشجویی در دهه ی ۱۹۶۰ اروپا و آمریکا را در برگرفت، تفاوت قائل شویم. جنبش دانشجویی در غرب اگر هم به ندرت سیاسی شود، مانند آنچه در دهه ۱۹۶۰ رخ داد، از زمره جنبشهای جدید است و به دنبال آن است که بدین طریق «کدهای غالب جهان سرمایه داری را مورد تردید قرار دهد» حال آن که در ایران هنوز بحثها و تقاضاهای مطروحه همان خواسته های چندین دهه ی گذشته است: آزادی، عدالت، پاسخگویی، رفع تبعیض و نظایر آن. پس با وجود آنکه جنبش دانشجویی بی تأثیر از جنبشهای اجتماعی جدید نبود، اما از جمله آنها تلقی



مراسم بزرگداشت و تقدیر از استاد ارجمند:

دکتر داور شیخاوندی

پیشگام جامعه‌شناسی آموزش و پرورش ایران



انجمن جامعه‌شناسی آموزش و پرورش ایران